



انتقال ضمان در بیع بین المللی کالا

(مطالعه تطبیقی)*

نگارش: رضا کریم کاشی

۱- مقدمه و طرح مسأله:

طبق مفاد ماده (۳۰) کنوانسیون سازمان ملل متحد راجع به قراردادهای بیع بین المللی کالا، تعهدات بایع عبارتست از تسلیم کالا، تحویل مدارک مربوط به آن، و انتقال مالکیت. با این وجود، کنوانسیون حاوی مقررات خاصی در مورد انتقال مالکیت نیست زیرا طبق بند 'ب' ماده (۴) کنوانسیون، انتقال مالکیت، خارج از شمول مقررات آن است ولی تسلیم کالا و تحویل مدارک (مواد ۳۱ تا ۳۴) عنوان فصل جداگانه‌ای را تشکیل می‌دهد. تحویل مدارک، فرع بر تسلیم کالا و از لوازم انتقال مالکیت است. بعلاوه، اهمیت تحویل مدارک از این جهت است که مدارک (مثل قبض انبار، بارنامه، قبض رسید کالا به بندر) غالباً نشان دهنده مالکیت کالا است. کنوانسیون مقرر می‌دارد که مدارک باید در زمان و مکان، و به شکل مقرر در قرارداد تحویل شود (ماده ۳۴). اگر در قرارداد در این مورد تصریحی نشده باشد، باید به عرف مراجعه شود، و اگر عرفی وجود نداشته باشد، به اوضاع و احوالی مراجعه می‌شود که مدارک در آن شرایط متعلق به خریدار می‌شود. با این وجود، تحویل مدارک در کنوانسیون نسبت به تسلیم کالا،

دارای اهمیت کمتری است زیرا طبق مفاد ماده (۳۴)، جنبه احتمالی دارد. بعلاوه، تحویل مدارک معمولاً همراه با تسلیم خود کالا است. پس می‌توان گفت که تسلیم کالا، یکی از تعهدات اصلی بایع است. بر تسلیم کالا آثار مهمی مترتب می‌شود که مهمترین آن انتقال ضمان است. با توجه به ارتباط نزدیک

در حقوق فرانسه نیز، یکی از تعهدات اصلی بایع تسلیم کالا است. طبق ماده (۱۶۰۳) قانون مدنی فرانسه، دو تعهد اصلی بر عهده بایع است: تسلیم کالا و تضمین آن، بنا به گفته "مازو"، چون انتقال مالکیت به خودی خود با انعقاد عقد بیع انجام می‌گیرد، پس انتقال مالکیت از تعهدات فروشنده نیست.

انتقال ضمان با تسلیم کالا، توضیح مختصری در مورد تسلیم کالا ضروری به نظر می‌رسد.

۲- تعریف تسلیم کالا:

در کنوانسیون، از تسلیم کالا تعریف خاصی به عمل نیامده است. "اودی"، تسلیم کالا را چنین تعریف کرده است: «تسلیم، کلیه اعمالی است که توسط فروشنده انجام می‌گیرد تا خریدار بتواند کالا را در اختیار گیرد (۱)». از ماده (۳۱) کنوانسیون استنباط می‌شود که تسلیم عبارتست از تحویل کالا (بند الف)، یا در اختیار خریدار قرار دادن کالا (بندهای ب و ج). البته واضح است که «تحویل کالا» با «در اختیار خریدار قرار دادن آن» دارای مفهوم واحدی نیست و این دو با یکدیگر تفاوت دارند. در حقوق سوئیس نیز قانون، دو تعهد اصلی را برعهده فروشنده می‌گذارد: «انتقال مالکیت به خریدار و تسلیم کالا». بند ۱۰ ماده (۱۸۴) قانون تعهدات سوئیس می‌گوید: «بیع، قراردادی است که به موجب آن بایع موظف است، در مقابل ثمنی که خریدار به او می‌پردازد، کالای خریداری شده را به او تحویل داده و مالکیت آن را به او منتقل نماید». طبق بند ۱۰ ماده (۹۲۲) قانون مدنی سوئیس، بایع باید جهت ایفای تعهد

کالا و از بین رفتن مجموع آن. معمولاً هر چه حمل و نقل کالا طولانی تر باشد، این خطرها افزایش می یابد. در بیع بین المللی کالا، این خطرها بیش از بیع داخلی است؛ مثل خطر ناشی از انتقال کالا از یک کشتی به کشتی دیگر که به طور معمول، اختصاص به بیع بین المللی دارد. در بیع بین المللی، علاوه بر خطرهای مادی، خطرهای سیاسی نیز کالا را تهدید می کند؛ مثل توقیف کالا در بندر، یا صادره آن.

در واقع، طرح مسأله خطر در مورد کالا عبارتست از: طرح این موضوع که در صورت پیش آمدن خطر برای کالا، چه کسی باید نتایج آن را تحمل کند؟ فروشنده - مثلاً - باید در صورت مفقود شدن کالا، کالای دیگری ارسال دارد، یا خریدار - مثلاً - باید ثمن را پرداخت کند، حتی اگر کالا به دست او نرسیده باشد؟

اهمیت مسأله به حدی است که این موضوع از مدتها قبل در عرفهای گوناگون مطرح گردیده، و عرفهای موجود در عبارات و شرایط مندرج در قراردادهای نمونه قید شده است. اتاق تجارت بین المللی (I. C. C.)، حدود پنجاه سال است که به منظور رفع ابهام در کاربرد این عرفها، مشهورترین آنها را تدوین نموده و از همان موقع تا به حال، مرتباً با عرفهای موجود تطبیق و آنها را تکمیل کرده است. این اصطلاحات و عبارات در کنوانسیون، مورد استفاده قرار گرفته و در واقع کنوانسیون از آن الهام گرفته است. با این وجود، مقررات کنوانسیون در این زمینه جنبه تکمیلی دارد (ماده ۶). (۸)

۴ - انتقال ضمان از دیدگاه کنوانسیون:

انتقال ضمان، به حق یکی از مسائلی است که فکر طرفین قرارداد را به خود مشغول کرده و شرایط آن معمولاً در قرارداد مورد پیش بینی قرار می گیرد. در صورتی که اراده مشترک طرفین در قرارداد صریحاً بیان شده باشد، و یا از قرار دادهای نمونه ای که مورد استفاده آنها قرار گرفته، اراده ضمنی آنها مستفاد شود، در درجه اول به این اراده مراجعه می شود و

کالا را هم شامل می شود (۵). در حقوق فرانسه نیز، یکی از تعهدات اصلی بایع تسلیم کالا است. طبق ماده (۱۶۰۳) قانون مدنی فرانسه، دو تعهد اصلی بر عهده بایع است: تسلیم کالا و تضمین آن، بنا به گفته "مازو"، چون انتقال مالکیت به خودی خود با انعقاد عقد بیع انجام می گیرد، پس انتقال مالکیت از تعهدات فروشنده نیست. (۶) در حقوق سوئیس - بر خلاف حقوق فرانسه - مالکیت با عقد بیع منتقل نمی شود، بلکه عقد بیع، تنها سبب تعهد است و برای انتقال مالکیت، صرفنظر از قرارداد، تسلیم کالا نیز ضروری است. (۷)

در حقوق ایران، با اینکه عقد بیع تملیکی است (ماده ۳۳۸ قانون مدنی)، اگر مبیع قبل از تسلیم به خریدار در اثر حادثه ای تلف شود، برعهده فروشنده است. او باید ثمنی را که در برابر مال تلف شده گرفته به خریدار بازگرداند

طبق ماده (۱۶۰۴) قانون مدنی فرانسه: «تسلیم عبارتست از گذاردن بیع در اختیار و تصرف خریدار».

۳ - خسارت آواری و انتقال ضمان:

کالا در فاصله بین مؤسسه فروشنده و مؤسسه خریدار، با خطرهای مختلفی مواجه می شود. این خطرها عبارتست از: صدمه دیدن کالا در اثنا حمل (خسارت آواری)، نقصان

خود به تسلیم کالا، خریدار را در وضعی قرار دهد که نسبت به شیء استیلا پیدا کند (۲). ماده (۳۶۷) قانون مدنی ایران در تعریف تسلیم می گوید: «تسلیم عبارتست از دادن مبیع به تصرف مشتری، به نحوی که متمکن از انحاء تصرفات و انتفاعات باشد، و قبض عبارتست از استیلا مشتری بر مبیع». بنابراین، کار فروشنده در مسلط کردن خریدار بر مبیع، تسلیم نامیده می شود. منظور از تسلیم، تنها مفهوم مادی و محسوس آن نیست، بلکه این مفهوم بیشتر جنبه معنوی و عرفی دارد و مقصود این است که مبیع چنان در اختیار مشتری قرار گیرد که عرف، او را مسلط بر مال بداند (۳).

طبق ماده (۱۸) کنوانسیون مربوط به قانون متحدالشکل ناظر بر بیع بین المللی اموال منقول (L. U. V. ۱) مصوب ۲۵ آوریل ۱۹۶۴، نیز تعهدات بایع عبارتست از: «تسلیم کالا، تحویل مدارک و انتقال مالکیت». با این وجود، در مورد تسلیم کالا بین (L. U. V. ۱) و کنوانسیون سال ۱۹۸۰، اختلاف فاحشی به چشم می خورد. در (L. U. V. ۱) تسلیم کالا عبارت است از: «واگذاری کالا طبق قرارداد در زمان و مکان معین، و در صورتی که تسلیم کالا در زمان و در مکان معین و طبق شرایط مقرر نباشد، تعهد به تسلیم انجام نگرفته است» ماده (۱۹). بدین ترتیب، به موجب (L. U. V. ۱)، ضمان شیء از تاریخ تسلیم کالا در شرایط پیش بینی شده در قرارداد و این قانون، به خریدار منتقل می شود (ماده ۷۹). زیرا طبق این قانون، تحویل کالایی که با قرارداد مطابقت نداشته باشد، «تسلیم» به حساب نمی آید و در این صورت، ضمان به خریدار منتقل نمی شود. (۴)

در کنوانسیون سال ۱۹۸۰، تسلیم کالا که موجب انتقال ضمان است - از مطابقت آن تفکیک شده؛ و عدم مطابقت به معنی عدم تسلیم نیست، بلکه تابع ضوابط خاصی قرار گرفته است؛ برخلاف حقوق فرانسه، که تسلیم عبارتست از: تحویل کالا و مطابقت آن با شیء فروخته شده، و ضمان در قبال عیوب

در کنوانسیون سال ۱۹۸۰، زمان انتقال ضمان، زمان انتقال مالکیت نیست بلکه زمان تسلیم کالا یا انتقال مادی آن است.

در صورتی که اراده صریح یا ضمنی طرفین در این مورد اعلام نشده باشد، مقررات عرفی نسبت به مقررات تکمیلی کنوانسیون اولویت دارد (ماده ۹) (۹).

مواد (۶۶ تا ۷۰) کنوانسیون، به انتقال ضمان اختصاص دارد ولی در این مواد، انتقال ضمان تعریف نشده بلکه تنها آثار مترتب بر آن مورد بحث قرار گرفته است. ماده (۶۶) مقرر می‌دارد که: «پس از انتقال ضمان، تلف یا زیان وارد به کالا موجب برائت او از تأدیه ثمن نمی‌شود، مگر اینکه تلف یا زیان وارده، ناشی از فعل یا ترک فعل بایع باشد». مواد (۶۷ تا ۶۹) کنوانسیون، مربوط به زمان انتقال ضمان است. و ماده (۷۰) مقرر می‌دارد که در صورت نقض اساسی قرار داد از سوی بایع، مواد (۶۷ تا ۶۹) مانع از توسل مشتری به طرق جبران خسارت ناشی از نقض، نخواهد بود.

۵- زمان انتقال ضمان و مبنای آن:

به طور کلی، حقوق تطبیقی نشان می‌دهد که در مورد انتقال ضمان، سه راه حل وجود دارد:

۱- زمان انعقاد عقد،

۲- زمان انتقال مالکیت،

۳- زمان تسلیم کالا.

در حقوق ایران، با اینکه عقد بیع تملیکی است (ماده ۳۳۸ قانون مدنی)، اگر بیع قبل از تسلیم به خریدار در اثر حادثه‌ای تلف شود،

برعهده فروشنده است. و او باید ثمنی را که در برابر مال تلف شده گرفته به خریدار بازگرداند. ماده (۳۸۷) قانون مدنی می‌گوید: «اگر بیع قبل از تسلیم، بدون تقصیر و اهماال از طرف بایع، تلف شود، بیع منفسخ و ثمن باید به مشتری مسترد گردد، مگر اینکه بایع برای تسلیم به حاکم یا قائم مقام او رجوع نموده باشد که در این صورت تلف از مال مشتری خواهد بود».

اثر مهم "تسلیم"، انتقال ضمان معاوضی از عهده فروشنده به عهده خریدار است. زیرا، پس از تسلیم، بیع تمام شده محسوب می‌شود و تلف بیع، دیگر ارتباطی به فروشنده ندارد. (۱۰)

در حقوق ایران، ضمان معاوضی گاه پس از تسلیم بیع نیز ادامه می‌یابد. ماده (۴۵۳) قانون مدنی مقرر می‌دارد: «در خیار مجلس و حیوان و شرط، اگر بیع بعد از تسلیم و در زمان خیار بایع یا متعاملین تلف یا ناقض شود برعهده مشتری است، و اگر خیار مختص مشتری باشد، تلف یا نقص به عهده بایع است».

در حقوق فرانسه، زمان انتقال ضمان، زمان انتقال مالکیت است. طبق ماده (۱۵۸۳) قانون مدنی فرانسه، مالکیت بیع با انعقاد عقد بیع، منتقل می‌شود و انتقال مالکیت تعهدی نیست که برعهده فروشنده باشد، بلکه انتقال مالکیت اثر بیع است. با این وجود، تسلیم بیع تعهدی است که برعهده فروشنده است. انتقال مالکیت از زمان انعقاد عقد بیع، موجب می‌شود که ضمان از بین رفتن و معیوب شدن بیع از زمان انتقال مالکیت برعهده خریدار قرار گیرد، هر چند که بیع هنوز تسلیم نشده و در اختیار او قرار نگرفته باشد (بند ۲۰ ماده ۱۱۳۸ قانون مدنی). ماده (۱۰۰) قانون تجارت فرانسه نیز، این قاعده را در مورد مفقود شدن کالا در جریان حمل، به مرحله اجرا می‌گذارد. البته در صورت تأخیر فروشنده در تسلیم کالا، ضمان برعهده او بوده و به خریدار منتقل نخواهد شد (قسمت آخر بند ۲ ماده ۱۱۳۸).

پس در صورتی که زمان مورد توافق برای تسلیم سببری نشده باشد، ضمان برعهده فروشنده نیست.

در حقوق آلمان، برخلاف حقوق فرانسه، مسؤولیت فروشنده، در مورد عیوب کالا، مربوط به زمان انتقال مالکیت نیست بلکه در زمان تسلیم کالا به خریدار ایجاد می‌شود. در نتیجه، فروشنده باید نه تنها پاسخگوی عیوب موجود در زمان انعقاد قرارداد باشد بلکه مسؤول عیوبی نیز خواهد بود که تا زمان تسلیم کالا ایجاد می‌شود. (۱۱)

در واقع، خریدار در مقابل پولی که به بایع می‌دهد باید بتواند بر بیع دست یابد، و انتقال مالکیت به تنهایی این هدف را تأمین نمی‌کند. خواست مشترک دوطرف، دادن ثمن به فروشنده و تسلط خریدار بر بیع است و با از بین رفتن جزئی از آن، جزو دیگر نیز مبنای خود را از دست می‌دهد. (۱۲)

در کنوانسیون اول ژوئیه ۱۹۶۴، با آن که

در قانون مدنی ایران، موردی که فروشنده در عقد بیع، متعهد به فرستادن کالا برای خریدار باشد، پیش‌بینی نشده و ضابطه‌ای که در ماده (۳۷۵) قانون مدنی برای تسلیم بیع به عنوان مبنا (محل انعقاد عقد بیع) تعیین شده، بیشتر متناسب با بیع دافلی، و منطبق با مواردی است که بیع به طور مستقیم به خریدار یا نماینده او تسلیم می‌شود

نسبت به زمان انتقال مالکیت بین نویسندگان آن توافقی به عمل نیامد و این موضوع مسکوت ماند؛ در مورد انتقال ضمان، زمان تسلیم کالا به عنوان مبنا پذیرفته شد (ماده (۹۷) (۱۳).

در کنوانسیون سال ۱۹۸۰، زمان انتقال ضمان، زمان انتقال مالکیت نیست بلکه زمان تسلیم کالا یا انتقال مادی آن است. بنابراین در کنوانسیون، انتقال ضمان به یک واقعه مجرد و غیرمادی، یعنی انعقاد قرارداد که تعیین زمان آن بویژه در عقد بین غایبین مشکلتر است، موکول نمی‌شود؛ و حال آن‌که، طبیعی‌تر آن است که ضمان به طرفی منتقل شود که بهتر می‌تواند از وقوع صدمات وارده به مبيع در اثنای حمل (خسارت آواری)، یا حادثه جلوگیری کند و یا صدمات وارده را جبران نماید.

پس می‌بینیم که در کنوانسیون نیز - مثل "اینکوترمز" - انتقال ضمان، بیشتر به تسلیم کالا توسط فروشنده مرتبط می‌شود. باین‌همه، می‌توان گفت که انتقال ضمان در کنوانسیون، به صورت یک اصل کلی و مطلق در نیامده بلکه بستگی به وضعیت‌های مختلف دارد (مواد ۶۷ و ۶۹). فروش کالا به صورت ترانزیت (در حال حمل - در راه)، در ماده (۶۸) مطرح شده و تأثیر نقض عهد ناشی از قرارداد توسط فروشنده در انتقال ضمان، در ماده (۷۰) مورد بررسی قرار گرفته است (۱۴).

۶- تسلیم مستقیم و غیرمستقیم کالا:
بیع بین‌المللی اغلب توأم با حمل و نقلی است که به شخص ثالث واگذار می‌شود، و تسلیم کالا به خریدار به صورت غیرمستقیم انجام می‌گیرد. مقررات مذکور در ماده (۶۷) که ناظر بر چنین قراردادهایی است، بیشتر متداول است. با این وجود، گاه نیز کالا به طور مستقیم توسط فروشنده به خریدار (و عملاً به نماینده اول)، تحویل می‌شود. ماده (۶۹) کنوانسیون ناظر به تسلیم مستقیم کالا به خریدار است (۱۵).

در قانون مدنی ایران، موردی که فروشنده در عقد بیع، متعهد به فرستادن کالا برای

در تسلیم غیرمستقیم کالا، ممکن است در قرارداد، محل فاصی برای تسلیم آن به متصدی حمل و نقل تعیین نشده باشد، و ممکن است طبق قرارداد فروشنده موظف باشد کالا را در محلی فاص به متصدی حمل و نقل تسلیم نماید

خریدار باشد، پیش‌بینی نشده و ضابطه‌ای که در ماده (۳۷۵) قانون مدنی برای تسلیم مبيع به عنوان مبنا (محل انعقاد عقد بیع) تعیین شده، بیشتر متناسب با بیع داخلی، و منطبق با مواردی است که مبيع به طور مستقیم به خریدار یا نماینده او تسلیم می‌شود، و نه بیع بین‌المللی که معمولاً تسلیم کالا به صورت غیرمستقیم بوده و فروشنده آن را به شرکت حمل و نقل تحویل می‌دهد؛ و طبق عرف بین‌المللی، تحویل کالا به شخص ثالث (شرکت حمل و نقل)، به منزله تسلیم آن به خریدار است. با این وجود، به نظر می‌رسد اجرای عرف‌های بازرگانی در مورد بیع بین‌المللی را بتوان از قسمت دوم ماده (۳۷۵) که به عنوان استثنای بر اصل، مقرر می‌دارد: «... مگر اینکه عرف و عادت مقتضی تسلیم در محل دیگری باشد...» استنباط کرد، به بیان دیگر، می‌توان گفت که تسلیم کالا در بیع بین‌المللی به موجب مفاد این قسمت از ماده (۳۷۵)، تابع عرف‌های بازرگانی بین‌المللی است.

پس، حسب اینکه قرارداد بیع حاوی حمل کالا باشد، و یا حمل کالا در قرارداد بیع پیش‌بینی نشده باشد، تسلیم غیرمستقیم یا

مستقیم کالا مطرح خواهد شد.

۷- تسلیم غیرمستقیم کالا:

در تسلیم غیرمستقیم کالا، ممکن است در قرارداد، محل خاصی برای تسلیم آن به متصدی حمل و نقل تعیین نشده باشد، و ممکن است طبق قرارداد فروشنده موظف باشد کالا را در محلی خاص به متصدی حمل و نقل تسلیم نماید. ماده (۶۷): کنوانسیون با توجه به موارد فوق، قائل به تفکیک شده است. در مورد نخست، که محل خاصی برای تسلیم کالا به متصدی حمل و نقل تعیین نشده، به محض تسلیم کالا به اولین متصدی حمل و نقل، ضمان از عهده بایع به خریدار منتقل می‌شود. تسلیم کالا به متصدی حمل و نقل، باید به منظور ارسال آن نزد مشتری باشد، و لذا صرف بازرگانی کالا روی کامیون‌های متصدی حمل و نقل که به دستور فروشنده انجام می‌گیرد، موجب انتقال ضمان نمی‌شود. نکته دیگر آنکه از مفاد عبارت "متصدی حمل و نقل" استنباط می‌شود که او شخصی است غیر از خود فروشنده، و لذا اگر فروشنندگان، کالا را شخصاً حمل کنند، نمی‌توان گفت با حمل کالا توسط فروشنده، ضمان به خریدار منتقل شده است.

مورد دوم، موردی است که فروشنده موظف است کالا را در محل خاصی غیر از کارخانه خود، به متصدی حمل و نقل تسلیم کند که البته این محل، مقصد حمل کالا نیست در این مورد، انتقال ضمان زمانی انجام می‌گیرد که کالا در محل مورد توافق به متصدی حمل و نقل تحویل شود.

اگر فروشنده، برای ارسال کالا به محل مورد توافق، از یک یا چند متصدی حمل و نقل استفاده کرده باشد، استفاده از این متصدی یا متصدیان حمل و نقل مانع از آن نیست که ضمان تا تحویل آن در محل مورد توافق به متصدی حمل و نقلی که کالا را جهت ارسال نزد خریدار تحویل می‌گیرد، متعلق به خود او نباشد. مصداق این فرض، بیشتر مربوط به مواردی است که طبق قرارداد کالا باید به متصدی حمل و نقل دریایی تحویل داده

شود و رساندن آن به کشتی، مستلزم حمل زمینی است. ولی در صورت عدم وجود چنین ضرورتی، نمی‌توان گفت، به لحاظ آن که کالا طی حمل زمینی در سرزمین کشور فروشنده قرار دارد، در ضمان او است. پس در اینجا نیز قاعده تحویل کالا به نخستین متصدی حمل و نقل است که به مرحله اجرا در می‌آید.

در کلیه این موارد، انتقال ضمان در صورتی است که کالا طبق شرایط قرارداد، مشخص شده و فرد آن با علامت‌گذاری صدور بارنامه و یا اخطار به مشتری و غیره، تعیین گردد. پس در صورتی که کالای ارسالی متعلق به چند نفر باشد، بدون آن که کالای متعلق به هریک از آنها مشخص شده باشد، ضمان برعهده فروشنده باقیمانده و برعهده خریدار منتقل نخواهد شد (بند ۲ ماده ۶۷). وانگهی فروشنده نمی‌تواند در صورت وارد شدن خسارت جزئی به کالا، قسمت خسارت دیده را به یکی از خریداران اختصاص دهد (۱۶).

در حقوق ایران، قاعده این است که مبیع باید در محل وقوع عقد تسلیم شود، و هزینه حمل آن برعهده خریدار باشد. این قاعده در مورد خرید و فروشهای سنتی، که به طور معمول در محل کسب فروشنده صورت می‌پذیرد، با قصد مشترک طرفین بیشتر سازگاری دارد، ولی این قاعده امری نیست و عرفهای بازرگانی بر حکم قانون مقدم است (۱۷). بنابراین، طبق قانون ایران، در مواردی که محل تسلیم کالا بنا بر عرف بازرگانی، غیر از محل وقوع عقد است، تسلیم کالا به متصدی حمل و نقل می‌تواند به عنوان تسلیم غیرمستقیم کالا به خریدار تلقی شده و موجب انتقال ضمان باشد.

طبق ماده (۱۶۰۹) قانون مدنی فرانسه، محل تسلیم کالا همان محل وقوع مال در هنگام بیع است، ولی با توجه به اینکه در حقوق فرانسه، انتقال ضمان با انتقال مالکیت تحقق می‌یابد، و انتقال مالکیت نیز با انعقاد عقد بیع انجام می‌گیرد، تسلیم کالا تأثیری در انتقال ضمان نداشته و صرفاً تعهدی است بر عهده فروشنده.

۸ - تأثیر تحویل مدارک در انتقال ضمان:

تحویل مدارک در ماده (۳۰) کنوانسیون، به عنوان یکی از تعهدات بایع اعلام شده، و با این وجود، تسلیم کالا و تحویل مدارک تحت عنوان واحدی آمده، و این دو تعهد از یکدیگر تفکیک نشده است. این عدم تفکیک از این جهت است که در واقع تحویل مدارک، تکمیل کننده تعهد به تسلیم کالا است (۱۸).

اهمیت تحویل مدارک، به طوری که قبلاً اشاره شد، به این جهت است که در دست داشتن اسناد (بارنامه، قبض انبار و غیره)، غالباً نشانه مالکیت کالا است. با این همه، تحویل مدارک در ماده (۳۴) نسبت به تسلیم کالا، دارای اهمیت کمتری است، زیرا صرفنظر از آن که تکلیف به تحویل آن احتمالی است، قسمت آخر بند "۱" ماده (۶۷) تصریح دارد که: "... این امر که بایع مجاز باشد اسناد کالاها را نزد خود نگه دارد،

اگر فروشنده، برای ارسال

کالا به محل مورد توافق، از

یک یا چند متصدی حمل و

نقل استفاده کرده باشد،

استفاده از این متصدی یا

متصدیان حمل و نقل مانع

از آن نیست که ضمان تا

تمویل آن در محل مورد

توافق به متصدی حمل و

نقلی که کالا را جهت ارسال

نزد خریدار تمویل می‌گیرد،

متعلق به خود او نباشد

اثری در انتقال ضمان نخواهد داشت". در نتیجه، چه بسا ممکن است این اسناد توسط فروشنده یا نماینده او نگهداری شود، تا تضمینی در قبال پرداخت ثمن باشد. پس انتقال ضمان که نتیجه جابجایی فیزیکی کالا است، ارتباطی به نگهداری اسناد ندارد. حتی وقتی که اسناد باید برای خریدار یا بانک کارگزار او ارسال شود ممکن است فروشنده یا بانک کارگزار او، اسناد را نزد خود نگه دارد و یا ارسال آن به دلیل دیگری به تأخیر افتد.

با توجه به اینکه قسمت اول بند "یک" ماده (۶۷)، انتقال ضمان را نتیجه تسلیم کالا به اولین متصدی حمل و نقل اعلام کرده، به نظر می‌رسد تصریح به عدم تأثیر نگهداری اسناد کالا نزد بایع در انتقال ضمان، از آن جهت است که در حقوق داخلی بعضی از کشورها، مثل فرانسه، انتقال ضمان نتیجه انتقال مالکیت است، و نه تسلیم کالا. به هر حال، دلیلی ندارد که انتقال ضمان منوط به شرایطی شود که نمی‌تواند ارتباطی به مبنای قاعده مربوط به این انتقال داشته باشد (۱۹).

در حقوق ایران، تحویل مدارک، در صورتی که ضروری باشد، تأثیری در انتقال ضمان ندارد زیرا انتقال ضمان، نتیجه تسلیم کالا است و تحویل مدارک، مثل فاکتور خرید و غیره، معمولاً در موقع انعقاد عقد و انتقال مالکیت انجام می‌شود.

۹ - تسلیم مستقیم کالا:

ماده (۶۹) کنوانسیون، مربوط است به موردی که کالا به جای تسلیم به متصدی حمل و نقل، به طور مستقیم به خود خریدار یا نماینده او تحویل می‌شود، و این می‌تواند در انتهای حمل کالا باشد (مثل مورد تحویل پس از تخلیه از کشتی، تحویل در بندر، تحویل در مرز، تحویل پس از پرداخت حق ترخیص کالا). در این صورت، انتقال ضمان به خریدار از تاریخی است که کالا را قبض می‌کند، و در صورت عدم قبض کالا، انتقال ضمان از تاریخی خواهد بود که باید آن را قبض می‌کرد. با توجه به مفاد ماده (۶۹)، می‌توان بین

پی نوشتها:

- * دکتر حسین صفایی؛ درس حقوق مدنی تطبیقی.
- ۱ - بیع بین المللی کالا، کنوانسیون مورخ ۱۱ آوریل ۱۹۸۰ سازمان ملل متحد، برنارودی، شماره ۸۰.
- ۲ - بیع بین المللی کالا - مجموعه حقوق مربوط به معاملات و شرکت، مقاله تطبیقی و تضمین در بیع بین المللی اموال منقول مادی در حقوق سوئیس، برن استودر، ص ۱۶۲.
- ۳ - دکتر ناصر کاتوزیان، حقوق مدنی - دوره عقود معین ج - ۱۰، ص ۱۶۶ - شماره ۱۱۴
- ۴ - بیع بین المللی کالا، همانجا، کنوانسیونها و طرح کنوانسیون مربوط به بیع بین المللی کالا، میشل بریزویس ص ۳۵.
- ۵ - درسهای حقوق مدنی، جلد سوم - قسمت دوم، شماره ۹۳۷ و نیز شماره ۹۵۲.
- ۶ - مازو، درسهای حقوق مدنی، جلد سوم - قسمت دوم، شماره ۹۲۹ و ۸۹۹
- ۷ - بیع بین المللی کالا، مقاله تطبیقی و تضمین در بیع بین المللی اموال منقول مادی در حقوق سوئیس برن استودر، ص ۱۶۲.
- ۸ - بیع بین المللی کالا، کنوانسیون مورخ ۱۱ آوریل ۱۹۸۰ سازمان ملل متحد، برنارودی، شماره ۸۷.
- ۹ - بیع بین المللی کالا، همانجا، برنارودی، شماره ۸۱ و مجله حقوقی شماره ۱۴ و ۱۵ - حقوق جدید متحدالشکل بیع بین المللی ژان پی بریلانتار، ص ۳۵۱.
- ۱۰ - عقود معین، همانجا، ص ۱۸۷.
- ۱۱ - بیع بین المللی کالا، مقاله تطبیقی و تضمین در بیع بین المللی اموال مادی در حقوق آلمان، برن استودر، ص ۱۳۱.
- ۱۲ - عقود معین، همانجا، ص ۱۸۸.
- ۱۳ - درسهای حقوق مدنی، همانجا، مازو، شماره های ۸۹۹ - ۹۰۱.
- ۱۴ - بیع بین المللی کالا، برنارودی، شماره های ۸۸ و ۸۹.
- ۱۵ - بیع بین المللی کالا، برنارودی، شماره های ۸۸ و ۸۹.
- ۱۶ - بیع بین المللی کالا، برنارودی، شماره ۹۰.
- ۱۷ - عقود معین، همانجا، ص ۱۷۶.
- ۱۸ - تقریرات درس جناب استاد آقای دکتر صفایی، حقوق مدنی تطبیقی.
- ۱۹ - بیع بین المللی کالا، برنارودی، همانجا.
- ۲۰ - بیع بین المللی کالا، برنارودی، شماره ۹۱.
- ۲۱ - با اینهمه طبق مفاد اینکوترمز، هر گاه کالا در مهلت پیش بینی شده در قرارداد در اختیار خریدار قرار گیرد، ضمان به خریدار منتقل می شود، همانجا، برنارودی، پاورقی ص ۹۰.
- ۲۲ - بیع بین المللی کالا، برنارودی، شماره ۹۳.

بر این است که منشأ اختلاف را از بین ببرد. با اینهمه، حفظ و نگهداری کالا بر عهده فروشنده خواهد بود، حتی در صورت قصور خریدار از قبض آن (ماده ۸۵)، (۲۲)



در حقوق ایران،
تمویل مدارک، در
صورتی که ضروری
باشد، تأثیری در انتقال
ضمان ندارد زیرا انتقال
ضمان، نتیجه تسلیم
کالا است و تمویل
مدارک، مثل فاکتور
فرید و غیره، معمولاً
در موقع انعقاد عقد و
انتقال مالکیت انجام
می شود

موردی که پیش بینی شده که کالا در کارخانه فروشنده تسلیم شود، یا در جای دیگر، قائل به تفکیک شد؛ (۲۰)

۱۰ - تحویل کالا از مؤسسه فروشنده؛ در مواردی که خریدار باید کالا را از مؤسسه فروشنده، یا هر جای دیگر که در بندهای "ب" و "ج" ماده (۳۱)، پیش بینی شده تحویل بگیرد، و نیز در موردی که قرارداد متضمن حمل کالا نیست، موضوع مشمول بند یک ماده (۶۹) است.

طبق مفاد این ماده، زمان انتقال ضمان، زمان قبض واقعی کالا است. بنابراین، اگر قرار است کالا، مثلاً، طی فروردین ماه تحویل شود، در صورتی که در پنجم این ماه در اختیار خریدار قرار گرفته، ولی خریدار آن را در بیستم فروردین قبض کرده باشد، از این دو تاریخ، زمان دوم که زمان قبض واقعی کالا است، تاریخ انتقال ضمان خواهد بود. در همین فرض، اگر مشتری که کالا در اختیارش قرار گرفته، در فروردین ماه از قبض کالا خودداری کند و قبض ظرف این مدت انجام نگیرد، ضمان از تاریخی شروع می شود که کالا در اختیار او قرار گرفته و او با عدم تحویل کالا به تعهد خود عمل نکرده است. در این مثال، اگر فروشنده کالا را پس از انقضای مهلت مقرر، یا عصر روز ۳۱ فروردین در اختیار خریدار قرار دهد، ضمان همچنان بر عهده فروشنده باقی خواهد ماند؛ و بدین ترتیب، قرار دادن کالا در اختیار خریدار در آخر مهلت مقرر، به نحوی که برای خریدار امکان قبض آن در مهلت باقی مانده وجود نداشته باشد، بمنزله عدم تحویل تلقی خواهد شد. (۲۱) توجیه این قاعده این است که فروشنده بهتر می تواند کالایی را که در کنترل اوست - بویژه اگر در انبارهای متعلق به او قرار داشته باشد - نگهداری کرده و از آن مراقبت نماید، و یا با انعقاد قرارداد بیمه، مسؤلیت جبران خسارتی را که به کالا وارد می شود به شخص ثالث انتقال دهد، بویژه که عکس این قاعده سبب می شود تا خریدار برای اثبات سهل انگاری فروشنده اقدام به طرح دعوی کند، و حال آنکه سعی کنوانسیون